

مشکلات هند

از . سلکسیون آوریل ۱۹۶۷

و بعد از ۱۹ سال که از استقلال هند می گذرد و با وجود کومک های خارجی که تا کنون به میلیارد ها فرانک رسیده است ؛ این منطقه وسیع از جهت کمبود مواد غذایی و افزایش جمعیت دچار مشکلات فراوانی است .

از اعلام استقلال هند ۱۹ سال می گذرد . این امر مردم هند را دلخوش و مسرور می دارد . اما هم اکنون هند آن چنان دچار بحران است که تفوق بر آن بسیار دشوار و دیرباب می نماید . وقتی اوضاع هند را مورد بررسی قرار می دهیم از عدم توسعه و پیشرفت کافی ، از یک طرف ، و از کثرت جمعیت آن ، از سوی دیگر دچار حیرت می شویم آنگاه ذهن ما به علل و جهاتی چند متوجه می شود که مهمترین آنها بشرح زیر است :

۱ - افزونی بیش از حد جمعیت : هند کشوری است که وسعت آن نزدیک به یک سوم مساحت کشورهای متحده آمریکا است ؛ اما جمعیت آن نزدیک به نیم میلیارد است . یعنی جمعیتی که بیش از آمریکای شمالی و جنوبی میباشد . این جمعیت وحشت آور است . با آنکه فعالیت هایی علیه افزایش روز افزون آن بعمل آمده سعی شده است که توالد و تناسل در آن کشور ترتیبی متناسب با زندگی و بنیه اقتصادی مردم پیدا کند مع هذا جمعیت هند به میزانی برابر با ۱۲ میلیون نفر در سال می رسد .

۲ - کمبود مواد غذایی : هفتاد درصد مردم فعال هند به کارهای کشاورزی سرگرم می باشند . با وجود این ، حتی درسالهای خوب و پرمحصول اگر مردم هند از گرسنگی رنج نبرند بیقین دچار مضیقه غذایی خواهند بود . اما هنگامی خشکی و قحط سالی است ، چنانکه سال گذشته چنین وضعی بود ، تنها مازاد غله آمریکا می تواند شبح مخوف قحط و غلا را از آن کشور وسیع دور نگهدارد .

۳ - روشهای کهنه و فرسوده کشاورزی : هنوز بسیاری از کشاورزان هندی زمین سخت را بامیخهای چوبی نوك تیزی که درحکم گاو آهن است شخم می زنند . تراکتور و ماشین های خرمن کوب به نسبت درهند خیلی کم است و وسیله آبیاری همان گاو میشهائی هستند که بجای تلمبه های برقی قوی آب را ازچاهها بازحمت بیرون می آورند و نیروی بدنی آنها بجای برق بکار می افتد . خرمن کوبی نیز بجای ماشین ، بادست انجام می گیرد و بسیار شاق و پرهزمت است .

۴ - کم ثمر بودن صنعت و کارخانه ها : دهها و دهها کارخانه جدید در تمام هند بکارافتاده است ؛ اما تعداد زیادی از این کارخانهها تا مقدار چهل تا پنجاه درصد از ظرفیت

اصلی خود را بیشتر کار نمی کنند زیرا مواد اولیه بقدر کفایت در دست نیست و نیز این کارخانه ها بعلمت کمبود وسائل یدکی ، چنانکه باید و شاید ، کار نمی کنند . چنانکه در کشوری وسیع مانند هند که احتیاج فراوانی به منسوجات دارد کارخانه های بافندگی را بعلمت کمبود پنبه خام می بندند .

۵ - میلیونها بیکار درهند : آمارهای کاملی درین خصوص در دست نیست و نمی توان تعداد دقیق بیکاران را معین کرد ولی برابر آمارهای رسمی که تاکنون در دست است در شهرهای بزرگ هند بالغ بر ۱۵ میلیون بیکار وجود دارد همچنین بیکاری در مناطق روستائی به میزان بسیار زیادی در حال توسعه و پیشرفت است .

۶ - کمبود مسکن : تعداد زیادی از هندیها مجبورند در هوای آزاد و آفتاب ، روزها و در زیر نور مهتاب ، در کوچه ها و شهرهای بزرگ هند ، شبها را بروز آورند . تعداد چنین افراد خانه بدوش و بی خانمانی سال به سال رو به افزایش است . خانه های پوشالی و کثیف و محقر دائماً در تزیید می باشد . خانواده های پر جمعیت فقیر در کلبه های محقر و منازل بسیار کوچک ، باهم روزگار می گذرانند بی آنکه آب جاری و فاضل آب (اگو) در در اختیار داشته باشند .

۷ - عدم اطمینان : ضعف قوا و فتوری که این کشور بدان دچار است اندوهبار و دل سرد کننده می باشد . ابتدا امیدواری زیادی بود که هندوستان بتواند با سازمانها و تأسیسات دموکراتیک و سیستم حکومت نیمه سوسیالیست و نیمه لیبرال کشور را بسوی هدفی مترقی و پیشرفت اقتصادی سریعی رهبری کند . برخی از مقامات خبیر و کارشناسان وارد تصور می کردند که هند قدرت اقتصادی و سیاسی بزرگ و بتمام معنی کاملی را بدست خواهد آورد آن چنان قدرتی که بتواند در برابر چین کمونیست وزنه قابل توجهی باشد اما ، اکنون ، این امر کاملاً محرز و آشکار نیست .

صنایع جدید نتوانسته اند نیروی هند را کاملاً تثبیت و پابرجا کنند . برعکس کشور هند بیش از پیش در غرقاب قروض خود فرو رفته و بیش از هر موقع دیگری به کمک و مساعدت نیازمند است . کمک خارجی که تاکنون به هند داده شده بالغ بر ۵۰ میلیارد فرانک فرانسوی می شود مع هذا با چنین کمکی نتایج ثمر بخش آن چندان متناسب با امیدواری هایی که می رود نیست . بعلاوه قروضی که هم اکنون کشور هند بهم رسانده و از خارج استقرض کرده است تا بیست میلیارد فرانک بالغ می شود ، تنها در سال ۱۹۶۶ مخارجی که مربوط به این وامها بوده است تا یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون فرانک ارزیابی و تخمین شده است .

از جهت داخلی ، هند بیش از پیش خود را مطیع قوانین و اوضاع و احوال استثنائی احساس می کند و با نوعی حکومت نظامی زندگی می کند - مخالفان رژیم حکومت - که تعداد آنها دست کم به ۵۰۰۰۰ می رسد - گاه به گاه به زندان در افکنده شده اند . اتهام چنین زندانیانی این بوده است که به چین و پاکستان مدد رسانده و یا موافقت ضمنی کرده اند - و یا بخاطر اینکه خواسته اند دولت را از بین بردارند در مظان تهمت قرار گرفته اند .

باری توقیفها مرتباً ادامه داشته و دارد . حزب کنگره در هندوستان ، که از زمان استقلال هند قدرت حکومت را در دست داشته ، بجای اینکه خود را با مشکلات و مسائل

روزافزون سیاسی و اجتماعی و اقتصادی روز تطبیق دهد و راههای حلی برای آنها بگشاید ؛ بیش از پیش تعصب و عدم انعطاف نشان می دهد . و حال آنکه این حزب به نوعی تحول و تجدید حیات نیاز و آفری دارد . روی این اصل ، جوانان هندی نسبت به امکانات مترقی و مساعدی که این تشکیلات فرسوده بتواند برای آنها درآینده بوجود آورد تصویری روشن ندارند .

حال ، باید دید از چه زمانی هند دچار اشتباه و گمراهی شده است ؟

مقامات رسمی دهلی جدید بحران فعلی هند را ناشی از برخورد کوتاهی می دانند که در پائیز سال ۱۹۶۵ بین هند و پاکستان حاصل شد و این دو کشور را در برابر هم قرار داد و بالنتیجه ممالک متحده آمریکا را بر آن داشت که کومکهای اقتصادی خود را به آن دو کشور متوقف سازد و چون این تصمیم مقارن باوضع وخیم خشکی و قحطی طولانی در آن کشور بود بناچار این امر موجب تشدید بحران و وخامت اوضاع هند شد . افراد بصیر و مطلع غرب از دو سال پیش وقوع بحران را بخوبی احساس می کردند - منتهی پیش آمدن جنگ و خشکسالی باعث تسریع در وقوع و تشدید اوضاع ناگوار فعلی گردید .

طرح ریزی مربوط به سوسیالیسم و کندروی های اداری مانع ترقی متناسب کشور شده و بهبود کلی سطح زندگی هند را متوقف ساخته است . سه برنامه پنج ساله به هند تحریک خاصی بخشید . اولین برنامه مترقی پنجساله در سال ۱۹۵۱ میلادی وارد مرحله اجرا شد . بر اثر اجرای این برنامه هند به ترقیات محسوسی - و گرچه تك تك و متفرق - نائل شده است . بطوریکه میزان تولیدات صنعتی هند علی الخصوص از ۱۵۰ درصد حتی در نتیجه اجراء این برنامه افزایش پذیرفته . اما در برنامه سوم تولیدات صنعتی کشور به نسبت هدفها و طرحهای کلی آن به ۲۷ تا ۳۰٪ نیز تنزل یافته است . آنچه مربوط به افراد کشور و طبقات تولید کننده میباشد سهمی بسیار کمتر و ارقامی بسیار نگران کننده است . سال گذشته ، عایدات متوسط هر فرد در کشور هند سالانه مبلغی قریب به ۳۵۰ فرانك فرانسوی بوده است . با احتساب و مقایسه نسبت به گذشته باید گفت ۹۰ فرانك فقط در مدت هیجده سال استقلال هند بدرآمد سالانه هر فرد هندی افزوده شده است

عدم موفقیت برنامه ها : جریان ناگواری که در این امر بنظر میرسد اینست که مأموران مسؤل برنامه و طرح ریزی اقتصادی تعداد افراد کشور را کمتر از آنچه بحقیقت بوده است ، آمار گیری کرده اند . چنانکه در سال ۱۹۶۱ رقم جمعیت از آنچه پیش بینی شده بود چهل میلیون بیشتر نشان داده می شد . این افزایش جمعیت بحد سرسام آوری پیش می رود و امید چندانی به جلوگیری از افزونی آن نیست مگر با انجام برنامه هایی که بعدها بدان اشاره خواهیم کرد .

در مدت اجراء دو برنامه پنجساله اول ، تولید کشاورزی از ۵۰٪ افزونی یافت . اما این افزایش ناشی از مدرن کردن روشهای کشاورزی نبود بلکه ناشی ازین بود که زمینهای تازه ای را داخل کشت کرده اند .

از سال ۱۹۶۰ تولید سالانه غلات در حدود ۸۰ میلیون تن بود و کما بیش این مقدار ثابت مانده است در صورتیکه بین سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۶۵ جمعیت هند ۵۰ میلیون نفر افزایش یافته .

مقامات دولتی هند باید یکی ازین دوراه را انتخاب نمایند : یا مواد غذایی برای تغذیهٔ این چند میلیون فرد اضافی وارد کنند یا اینکه همان سرمایه های ضعیف داخلی خود را در راه کشاورزی بکار اندازند . مقامات هندی راه اول را برگزیدند و مواد غذایی را وارد کردند . نتیجه چه شد ؟

نتیجه آنکه : هند در شمار کشورهای قرار می گیرد که نتیجه کار (راندمان) کشاورزی آن بسیار ضعیف است و در آنجا روستائیان بطور متوسط بیش از دو کیلوگود در هر هکتار زمین بکار نمی برند .

و اما صنعتی شدن کشور که ابتدا خیلی سریع می نمود کم کم به مشکلات تازه ای برخورد کرد . برنامه ها به نسبت ذخائر و امکانات بسیار متعالی و پیشرفته بود ابتدا هند به بهره برداری از ذخائر خود ، که به نسبت بسیار مهم بود ، آغاز کرد و از ارزشهای خارجی که در اختیار داشت سود جست سپس به گرفتن قرض ارزاست و چپ دست یازید . اما متأسفانه اکنون هنگام واریز کردن آن قروض فرا رسیده است .

طرح کنندگان برنامه ها از این حقیقت غفلت داشته اند که ادامه کار بسیاری از صنایع و کارخانه های جدید بستگی به تجهیزات و وسائل یدکی کارخانه ها دارد که بساید از کشور های خارج وارد شود و حتی برای تهیه مواد خام و اولیه نیازمند ممالک دیگر بساید بود و ناچار کمبود مواد را بساید دیگران تامین کنند . اتفاق را ، وقتی هند ذخائر ارزی و امکانات موجود برای قرض کردن را ازدست داد افزایش مواد و مصالح لازم برای صنمت نیز بیکباره روبه تقلیل نهاد . طراحان اقتصادی چنین اندیشیده بودند که : در آینده هند واردات خود را از محل فروش اشیاء تمام شده و مسائل مصنوع خود خواهد پرداخت و جبران واردات را با صادرات خواهد کرد . اما قیمت کالاهای ساخته شده در هند آن چنان زیاد بود که بزودی صاحبان کارخانه درین کشور احساس کردند که فروش کالاهای آنها در بازار های دنیا دچار مشکل بلکه عدم امکان فروش شده است .

نتیجه این شد که : تعادل و توازن تجارتمی در سال ۱۹۶۵ بهم خورد و دچار کمبودی معادل ۶ میلیاردنیم فرانک فرانسوی گردید .

اشتباه دیگر طرح کنندگان برنامه این بود که نتوانسته بودند تورم اسکناس را که ناشی از مخارج انجام نقشه های وسیع پیشرفت توسعه هند بود پیش بینی کنند . در سال ۱۹۶۴ که سال صلح و آرامش و از جهت بهره برداری محصول بسیار عالی بود قیمت مواد غذایی بمیزان ۰.۲۱ و بهاء سایر اجناس عمده به میزان ۰.۱۴ افزایش یافته است .

طبیعتاً ، برنامه ریزی مستلزم رهبری دقیقی است ، اما طراحان برنامه دینند گومی رهبری را یک هدف غائی می پندارند نه یک وسیله : در حالی که اداره و انجام يك برنامه وسیله ای است برای رسیدن به منظور های نهائی .

در کشور هند ، دولت بصورت شورای عالی رهبری درآمدی است که بر تمام صنایع و کارخانه ها چه جنبه ملی داشته باشد و چه صورت خصوصی - تسلط کاملی دارد . درین کشور عوامل و ایادی دولت هستند که ارقام تولید و مدلهائی را که بساید ساخته شود مشخص می کنند و نیز اینان هستند که قیمت های فروش را - جزء به جزء - تعیین می نمایند گومی در هند بدون

موافقت دولت نمی‌توان هیچ کارخانه‌ای را ساخت و یا نصب کرد و یا هیچ کارخانه قدیم را توسعه بخشید .

دولت بطور دقیق و عمیق توزیع و فروش اوراق و سایر رشته های تولید و ثروت و مصارف جاری را نظارت می‌کند ، گوئی دولت وظیفه عطاری را برعهده دارد که مصارف و احتیاجات ۵۰۰ میلیون جمعیت را زیر نظر گرفته است .

مواعنی برای سرمایه‌گذاری‌ها : در زمینه سرمایه‌گذاریهای خارجی طراحان برنامه‌کوشهای بسیار محدودی کرده و نظریاتی بسیار تعصب آمیز دارند - تعداد بسیار کمی از هندیها در باره سرازیر شدن سرمایه های خارجی به کشورشان جداً دچار شك و تردید هستند بخصوص درباره سرمایه‌هایی که به سرعت در کارخانه های مربوط به کشاورزی بکار افتد . مع‌هذا هر کشوری بخواهد سرمایه‌هایی را در کشور هند بکار اندازد از جهات مختلف با اشکالاتی عظیم مواجه خواهدشد . چنانکه ماهها و گاهی سالها باید تا دولت موافقت خود را باین امر ابراز کند و این موضوع تنها يك جهت اشکال قضیه است . دولت است که باید در مورد اهمیت کارخانه و محل و یا تغییر مکان آن و نیز در باره ظرفیت و میزان تولید کارخانه و نیز در مورد خصوصیات جنس تولید شده و فرآورده های آن تصمیم بگیرد نه صاحب اصلی آن و یا مأمور اجرای نقشه . میزان کار و تولید کارخانه نیز چیزی است که از قدرت صاحبکار خارج است و باید دولت حداکثر تولید آنرا مشخص نماید . زیرا این امر کاملاً جنبه اقتصادی دارد و باید دولت نظارت کند .

از جهت نظری ، رقابت بین مشاغل خصوصی و کارخانه های ملی و یا خصوصی آزادانه برقرار است ، اما در عمل ، امور ملی ، از جهت بدست آوردن مواد و مصالح کمیاب و امتیازات مربوط به تحصیل اسعار خارجی و استفاده از راه آهن ملی برای حمل و نقل کالا های خود از وضع مساعد تر و راجحیت کاملی برخوردار میباشد .

مضيقه ها و مواعنی دیگری نیز ایجاد صنایع خارجی را مشکل می‌گردانند قیمت‌های تمام شده کالاها ، برای صاحبان کارخانه ، دائماً در تزايد است . فی‌المثل ، قیمت فولاد ، که مشمول مالیات شده و بر قیمت آن مقداری افزوده شده است مطلبی علی‌حده می‌باشد . اما مدیران کارخانه ها برای بدست آوردن مقادیر فولاد مورد احتیاج باید وجوهی محرمانه به فولادگريهای مهم ، بعنوان حق‌المعمل و یا عناوین دیگر بپردازند ، همین امر باعث می‌شود که قیمت فولاد تا ۳۵٪ افزایش پیدا کند و این امر بر سایر اجناس نیز اثر می‌گذارد .

در هندوستان ، يك کارگر کشاورز از ۱۲۵ تا ۲۵۰ فرانك در روز دستمزد دارد . این ارقام ممکن است برای ما این تصور را پیش آورد که کاریدی و دستمزد در هند بسیار ارزان است . اما ، در عوض مزد يك کارگر متخصص بسیار زیاد می‌باشد . چون قیمت‌ها دائماً روبه‌افزونی است ، برخی کمپانی های شهر بمبئی ملاحظه کرده‌اند که میزان حقوقی را که در مدت شش‌ماه می‌پردازند بمیزان سی‌درصد بالا رفته است .

از طرف دیگر ، این حقیقت را نیز باید قبول کرد که قدرت تولید کارگران نیز در هند بسیار ضعیف است چنانکه کاری را که سه نفر کارگر در هند انجام می‌دهند در مجموع برابر است به کاری که يك کارگر ژاننی یا کارگری از اهالی فرمیا هنگه کنگه به انجام می‌رساند . بالاخره امر دیگری که بودجه شرکتها را سنگین و گرانبارتر از پیش می‌کند نحوه

اخذ مالیات است که سرعت زیادی بالا می‌رود. مالیاتی که هم اکنون بر عایدات شرکتها بسته می‌شود بجای ۰.۴۵- که در سال ۱۹۶۲ گرفته می‌شد اکنون به ۰.۶۵- افزایش یافته است. در نظر يك صناع پیشه خارجی قبول این نکته بسیار دشوار است که: برای انطباق با نظر و بینش مقامات هندی باید در کنار ماشین‌ها و زاویه کارخانه‌ها مسکن‌گزینند و اجازه دهید که دولت هر طور صلاح می‌داند در مورد سهام و منافع کارخانه و قیمت‌های اجناس و توزیع آنها آن چنانکه می‌خواهد نظارت کند. یکی از خارجی‌ان چنین اظهار نظر می‌کند: از بس خواسته‌اند روح کارمندی را جان‌شین روحیه اجراء و عمل کنند وضع بصورت هیولای فلج شده‌ای درآمده است.

اگر هند طالب سوسیالیسم است این امر در صورتی امکان دارد که نخواهد کارها را نیمه تمام انجام دهد. باید اقتصادی نیرومند و رهبری کامل از لحاظ مادی برای توزیع وجود داشته باشد. اما سیستم فعلی هند در حقیقت بدترین جنبه‌هایی را که در سوسیالیسم دیده می‌شود اخذ کرده است. از جمله: رهبری اداری و پوچی کاغذ پرانی و حکومت بوروکراتیک، رواج بسیار دارد بی آنکه از اجراء و عمل آزاد و آنچه مظاهر ثمر بخش سوسیالیسم می‌توان نامید چیزی گرفته باشد.

مقامات دولتی این نوع انتقادات را نمی‌پسندند. بلکه چنین استدلال می‌کنند که: اگر آنها زمام اختیار را به صاحبان صنایع هندی یا غیر هندی واگذار می‌کردند، آنان بیش از پیش در اضافه کردن قیمت‌ها و افزایش منافع شتابزدگی نشان می‌دادند. از سوی دیگر، چنین می‌گویند: دروازه‌های مملکت را بروی سرمایه‌گذاران خارجی باز گذاشتن بمنزله اینست که اقتصاد کشور را در دست بدست خارجی‌ان بسپاریم و خود تماشاگر صحنه باشیم! از طرف دیگر، این تجربه را نیز بدست آورده‌اند که نه این استدلال و نه آن دلیل در برابر واقعیات زمان نمی‌تواند مقاومتی بکند.

در مارس سال ۱۹۶۶ قیمت سیمان آزاد شده است. و بسیاری از صاحبان کارخانه‌های سیمان ارقام تولید خود را از حدود عادی فراتر برده‌اند. یکی از علمای اقتصاد هند درین باره چنین اظهار می‌دارد که: اگر این تصمیم دو سال زودتر اتخاذ شده بود اکنون کشور هند ازین لحاظ بدیگران احتیاج نداشت و تولیدات خودش رفع نیازمندیهای او را بقدر کفایت می‌نمود و این محصول ارزان‌ترین قیمت را نیز در بازار پیدا می‌کرد.

بدگمانیهائی که يك فرد هندی نسبت به سرمایه‌داری (کاپیتالیسم) دارد و ترس از اینکه مبادا جهان غرب با همه مظاهر استعمارگر و مخوف خود بصورت (استعمار جدید اقتصادی neo-Colonialisme Economi que) بر کشور هند مسلط شود، موجب آمده است که در جلو سرمایه‌گذاری کشور های خارجی بخصوص چندین میلیارد فرانک برای توسعه صنعت پتروشیمی- سدسیدیدی ایجاد شود و از آمدن چنین سرمایه هنگفتی به کشور هند ممانعت بعمل آید. طرح دیگری نیز در دست انجام است که بموجب آن سرمایه‌ای به ارزش ۷۵۰ میلیون فرانک بصورت ارز در اختیار دولت هند قرار گیرد تا پنج کارخانه کود شیمیائی با آنها پی افکنده شود. این طرح نیز به انتظار تصویب دولت همچنان معوق مانده است. همین اقدام تنها به دولت مجال خواهد داد که به تولید کود شیمیائی در سه سال آینده پانصد هزار تن بیفزاید.

نگاهی به آینده- بنا بر آنچه گفته شد، آینده هند چگونه بنظر می‌آید؟ بطور

خلاصه : باید گفت آینده هند بسیار تاریک و مبهم است . کمبود مواد غذایی چندین سال بر همین منوال خواهد بود . صنعت چینی نیست که در چند روز چند ماه بکار افتد و حاصل و بهره کافی بدست دهد . امر تسلیحات نیز هم گران و هم سنگین تمام می شود . بعلت کینه دیرینه ای که هند نسبت بدو همسایه خود پاکستان و چین دارد ناچار است بر نامه دفاعی وسیعی را طرح ریزی نماید که ۵۰ میلیارد فرانک هزینه دارد و باید در مدت ۵۰ سال آینده دوام و گسترش یابد . مع هذا ، با گذشت زمان ابر های کدر ارافق هند دور خواهد شد و مناظر دلکش و صحنه های امیدبخشی جلوه گری خواهد کرد . بدین ترتیب که در آینده : هند می تواند مسائل غذایی خود را حل نماید . با کود شیمیائی بیشتر ، بذره های عالی و مناسب ، سرمایه ها و اعتباراتی با بهره بسیار کم با بالا بردن قیمت اجناس بدست آمده ؛ کشاورز هندی خواهد توانست بهره ورانده مان کار خود را به نسبت بسیار زیادی افزایش دهد . نظم و ترتیبی که با وسائل ارزان امروز می توان در امر جلوگیری از افزایش موالید بکار برد و این امر - این روزها - کمتر با مخالفت توده مردم مواجه می شود موجب خواهد شد که از افزایش بیش از حد جمعیت جلوگیری شود . گرچه سالها باید تا جمعیت هند در کم بالنسبه ثابتی پیدا کند .

کارشناسان مالی دولت فکر می کنند که پائین آوردن قیمت روپیه - که در ژوئن سال گذشته مورد تصمیم و تأیید قرار گرفته - موجب خواهد شد که منحنی صادرات کشور با نظم و ترتیبی خاص قوس صعودی خود را دنبال کند . همین امر باعث خواهد شد که کسر و کمبود بودجه و عدم تعادل پرداخت ها از بین برود و بار بدهکاری ها سبک شود .

هیچ کس انتظار نمی تواند داشته باشد که صنایع از صورت ملی خارج شود و کاملاً جنبه عمومی بخود گیرد ولی با طرح ریزی های اقتصادی امکان دارد اقتصاد کشور بصورت بهتری بازگشت کند . علمای اقتصاد هند پیشنهاد می کنند که تشریفات اداری و فرمالیته بازی های دست و پاگیر انعطاف بیشتری پیدا کند و بازرگانان و صاحبان صنایع به جلب سرمایه های غربی تشویق شوند .

اگر هند طرز رهبری اقتصادی خود را تغییر دهد و سرمایه هائی را در کشاورزی بکار اندازد کشور های متحده آمریکا خواهد توانست بتدریج به اقتصاد هند مدد رساند .

در پنج سال آینده هزینه عملیات اقتصادی حداقل به ۳۰ میلیارد فرانک خواهد رسید . کمکی معادل ۳۰ میلیارد فرانک هند را به ژاپن آسیای جنوبی تبدیل نخواهد کرد و نه هند را بصورت هم پیمان مسلم کشورهای متحده آمریکا در خواهد آورد که در برابر چین کم نیست فعالیت کند و نفوذش را خنثی نماید بلکه در درجه اول باعث خواهد شد که سطح زندگی بمیزان زیادی درهند بالا رود و زمینه برای حفظ دموکراسی مساعدتر شود .

(پایان)

مجله یغما - بحمدالله تعالی هندی های مقیم طهران از انواع نعمت ها برخوردارند ، همگان متنمندان و متمکن ، و اتفاقاً غالباً در همسایگی مجله یغما سکونت دارند .